

به نام خدا

درس هفتم (جمال و کمال) جواد صمدی پور

- * در بهشت، انهار و اشجار است: رودها و درختان.
- * حیات دل‌ها: زندگی دل‌ها
- * آب را صفت، طهارت است: ویژگی آب، پاکی است (این نوع « را » بین مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جایی به وجود می‌آورد)
- * چون تن به زُلت بیالاید: هنگامی که بدن به وسیله لغزش و گناه، آلوده شود.
- * روی بتافت: روی برگرداند.
- * هم فُرقت بُود و هم وُصلت: هم جدایی است و هم وصال
- * در بدایت، بند و چاه بُود، در نهایت، تخت و گاه بُود: در آغاز، گرفتاری وجود دارد و سرانجام خوش‌بختی و تخت شاهی.
- * در او چندین اندوه و طَرَب بُود، در نهاد خود، شگفت و عجب بود: شادی، وجود
- * یعقوب خود او را به صبر، آموزگار بُود: یعقوب (ع) آموزگار یوسف (ع) می باشد در زمینه تعلیم بردباری
- * خبردهنده از او، مَلِک جَبَّار بُود: پادشاهِ قدرتمند (استعاره از پروردگار است).
- سجع
- * فَلَجَرَم حدیث ایشان، نیکوترین احادیثِ اهلِ روزگار بُود: پس ناگزیر، سخنِ او (خدا) ... بین واژه‌های جبار و روزگار سجع دارد.
- * حُسن صورت و حُسن سیرت: نیکومنظری و نیکوباطنی (ظاهر و باطنِ زیبا)
- * پادشاه عالم: استعاره از خدا
- * در مقابله «لئیمی»، کریمی کرد: در مقابلِ فرومایگی، جوانمردی و بزرگواری نشان داد.
- * آهنگ کید و مکر و عداوت کردند: تصمیم گرفتند مکر و حيله و دشمنی بورزند.
- * هرگز کید کایدان، با خواست خداوند غیب‌دان، برابر نیاید: نیرنگِ حقه‌بازان با اراده و خوات خداوند غیب‌دان برابری نمی‌کند.

* «سجع» مانند قافیه است و انواعی دارد: فرقت و وصلت، هلاک و پاک

در آب حیات تن‌ها بود و در قرآن حیاتِ دل‌ها بود. * تن و دل

* جناس در پایان جمله‌ها و قرینه‌ها قرار نمی‌گیرد. ولی «سجع» حتماً قرینه‌بندی می‌شود تا مانند قافیه باشد.

* جناس و سجع را بیابید: ای مهر تو در دل‌ها وی مهر تو بر لب‌ها

* گر در طلبت رنجی ما را برسد، شاید: شایسته است؛ سزاوار است.

* ما نیز یکی باشیم، از جمله «قربان»‌ها: **ایهام** دارد. ۱- قربان شده، ۲- تیردان (کیش)

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir